یادداشت روز

توقف جنایت ابتکار جدید می‌خواهد

حمله ارتش رژیم صهیونیستی به یک مدرسه در شهر غزه و به شهادت رساندن بیش از صد نفر از کودکان که دیروز اتفاق افتاد، بسیار تلخ و تکان‌دهنده است اما به دلیل «تکراری بودن»، آن‌طور که باید مورد توجه قرار نگرفته است. رژیم جنایتکار اسرائیل چطور دست به جنایت بی‌شرمانه می‌زند؟ برای اینکه گمان باطل می‌کند که فایده این اقدامات برای آن بسیار بیشتر از هزینه‌هایی است که می‌پردازد. رژیم غاصب در برابر جنایات عظیمی که انجام می‌دهد و در بسیاری از موارد بی‌سابقه است، باید «هزینه نقد» متناسب بپردازد تا از تکرار جنایات اجتناب کند. در این خصوص گفتنی‌هایی وجود دارد:

۱ـ رژیم صهیونیستی در این دوره ده ماهه بیش از چهل هزار نفر از مردم عادی که عمدتاً زنان، کودکان، سالخوردگان و بیماران بوده‌اند را به شهادت رسانده و نزدیک به یکصد هزار نفر از آنان را مجروح کرده و نزدیک به دو میلیون یعنی حدود ۸۰ درصد از ساکنان غزه را آواره و بیش از ۷۰ درصد منازل را غیرقابل سکونت کرده است. علاوه‌بر آن در این مدت تمام ۳۵ بیمارستان باریکه غزه را بین ۶۰ تا ۱۰۰ درصد تخریب نموده و کاملاً پیداست درصدد غیرقابل سکونت کردن غزه است و متأسفانه این اقدامات با همه تندی در میان کشورهای اسلامی واکنش متناسب نداشته و برای متوقف کردن آنها، اقدامات متناسب صورت نمی‌گیرد و حال آنکه کشورهای اسلامی می‌توانند اعلام کنند تهدید نیروهای مدنی و مراکز اجتماعی در غزه با واکنش متقابل مواجه می‌شود و نشانه‌هایی از این تقابل را بروز دهند.

نسل‌کشی و اخراج فلسطینیان سیاست شناخته شده اسرائیل می‌باشد و در نزدیک به یکصد سال اخیر علیه فلسطینی‌ها به اجرا گذاشته شده و سابقه آن حتی از سابقه تأسیس اسرائیل فراتر رفته است. بنابراین آنچه به عنوان دلیل این تهاجم ـ حمله مقاومت غزه به گروهی از نظامیان اسرائیل ـ مطرح می‌شود، واقعیت ندارد. کمااینکه حقانیت مقابله ساکنان غزه با نظامیان اشغالگر، از نظر حقوق بین‌الملل و کنوانسیون‌های جنگ، بدیهی‌تر از آن است که به استدلال نیاز داشته باشد.

۲ـ حدود سه هفته پیش در ورزشگاه روستای «مجدل شمس» در بلندی‌های جولان اشغالی حادثه‌ای روی داد و طی آن نزدیک به ۳۰ نفر از جوانان و نوجوانان دروزی‌مذهب کشته یا زخمی شدند. پس از آن بدون دلیل حزب‌الله لبنان متهم به ارتکاب این حمله شد. حزب‌الله طی بیانیه‌ای با صراحت این اتهام را رد نمود و محافل مستقل عمدتاً اخلال در سامانه‌های پدافندی رژیم اسرائیل را عامل شلیک به سمت این ورزشگاه اعلام کردند. این واقعه با روایت اسرائیل در کانون توجه غرب قرار گرفت و رژیم غاصب با عبور از خطوط قرمز، حملات برنامه‌ریزی‌شده‌ای علیه بیروت به اجرا گذاشت. در این میان غرب نه فقط به دلیل حمایت عمومی و سنتی از رژیم غاصب بلکه فراتر از آن به دلیل اینکه در هر پروژه جنایت‌آلود اسرائیل همراهی داشته و دارد، مسئول می‌باشد.

غرب در این صحنه بر اساس اصول اعلامی خود باید در جهت توقف جنگ و جلوگیری از وقوع حوادثی از قبیل مجدل شمس وارد عمل می‌شد. اما به جای آن به نفع اسرائیل و ادعای آن موضع‌گیری کرد و زمینه اقدامات خشونت‌بار بعدی اسرائیل را فراهم نمود. همین حالا می‌توانید تفاوت واکنش غربی‌ها به بمباران مدرسه‌ای در غزه که به شهید و زخمی شدن حدود ۳۰۰ نفر انجامیده و در اینکه رژیم اسرائیل عامل آن است، ذره‌ای تردید وجود ندارد و اصابت به ورزشگاه مجدل شمس و شهادت ۱۲ نفر و زخمی شدن حدود ۱۸ نفر ـ که درباره مسئول آن هم حرف واحدی بیان نشده ـ مقایسه کنید تا بدانید آیا غربی‌ها با رژیم جنایتکار، فقط همدلی دارند یا بخش بزرگی از مسئولیت حوادث خونبار هم بر دوش آنان است؟

۳ـ اما واقعیت این است که در جنایات بسیار دردناکی از نوع آنچه دیروز رخ داد، فقط رژیم غاصب و حامیان آن در غرب مسئول نیستند، بلکه کشورهای اسلامی هم مسئولیت ویژه دارند، چرا که اگر جهان اسلام به وقایع قبلی واکنش درخور نشان داده بود و هزینه‌ای متناسب با سطح جنایات رژیم جنایتکار علیه فلسطینی‌ها متوجه آن می‌کرد، حوادث به مراتب شدیدتر بعدی به وقوع نمی‌پیوست. رژیم غاصب حدود یک ماه پیش به همراه یگانی از ارتش آمریکا به اردوگاه «الشعیرات» حمله کرد و نزدیک به ۱۰۰ فلسطینی را شهید و زخمی نمود اما کشورهای عربی و اسلامی از حد اظهار تأسف و محکوم کردن فراتر نرفتند. در حالی که همه می‌دانند رژیم فاسد صهیونیستی با فحش شنیدن کنار نمی‌کشد و خم به ابرو نمی‌آورد. کشورهای اسلامی باید بدانند اگر مقامات آمریکا با عبارت «نسبت به امنیت اسرائیل متعهد بوده و از حق دفاع آنان در برابر فلسطینی‌ها حمایت می‌کنیم» پای کار اسرائیل نمی‌آمدند، اسرائیل هرگز جرأت ارتکاب این جنایات را نداشت. کما اینکه بررسی‌های تاریخی می‌گوید در فاصله ۱۹۰۵ تا ۱۹۱۷ یعنی موج اول مهاجران اشغالگر یهودی، اقدامات خشونت‌بار علیه فلسطینی‌ها صورت نگرفت. اقدامات خشونت‌بار و تشکیل سازمان‌های تروریستی نظیر «اشترن» و «هاگانا» پس از آن شروع شد که دولت انگلیس طی اعلامیه بالفور رسماً از تشکیل کشوری یهودی در سرزمین تحت قیمومیت خود یعنی فلسطین حمایت کرد. کشورهای اسلامی و عربی باید بدانند اگر به میزانی که غربی‌ها از رژیم غاصب «حمایت مؤثر» می‌نمایند، آنان از «صاحبان فلسطین» حمایت مؤثر می‌کردند، صهیونیست‌ها با وجود مخالفت مؤثر مسلمانان، دست به این همه جنایت علیه فلسطینی‌ها نمی‌زدند.

۴ـ البته واقع‌بینی حکم می‌کند سرنوشت فلسطین و تحولات آن به دولت‌هایی که خود در «جبهه غرب» قرار دارند، واگذار نشود. در اینجا انتظارات از یک‌سو متوجه ملت‌های مسلمان و از سوی دیگر متوجه آن دسته از کشورهای اسلامی است که عمدتاً تحت عنوان «جبهه مقاومت» شناخته می‌شوند.

جبهه مقاومت از آغاز این جنگ، بدون درنگ و دریغ به کمک غزه شتافت و ضمن تحمیل هزینه زیاد به رژیم، هزینه‌های زیادی هم پرداخت کرد که شهادت بعضی فرماندهان ارشد سپاه پاسداران، شهادت بعضی فرماندهان حزب‌الله و بمباران‌های پیاپی یمن از سوی رژیم غاصب، آمریکا و انگلیس بخشی از این هزینه‌ها است. با این وجود با وقوع هر جنایت تازه از سوی رژیم غاصب صهیونیستی و پشتیبانان آن، چشم‌ها به جبهه مقاومت است تا برای دفع جنایات دست به اقدام بزنند.

الان رژیم غاصب با هدف وادارکردن فلسطینی‌ها به تخلیه نوار غزه و تبدیل کردن آن به یک دژ نظامی علیه مقاومت، از دو سو وارد عمل شده است؛ از یک‌سو با بهانه و بی‌بهانه به کشتار مردم غزه دست می‌زند تا آنان دریابند اینجا جای زندگی نیست و از طرف دیگر با گسترش تهاجمات به محیط منطقه‌ای و «عبور از همه خط قرمزها» تلاش می‌کند اخراج فلسطینی‌ها از غزه را در سکوت و انفعال مسلمانان عملی کند. همان‌طور که مجاهد عظیم‌الشأن سیدحسن نصرالله در آخرین سخنرانی خود گفت اگر رژیم سیاست کوچاندن جمعیت در غزه را به نتیجه برساند، همین روش را برای اشغال کرانه باختری به‌کار می‌گیرد. این وضعیت یعنی کشورهای اطراف فلسطین یا باید با توسل به اقدامات عملی، سیاست تهجیر فلسطینی‌ها را متوقف کنند و یا خود را برای موج بزرگ میلیونی فلسطینی‌های آواره آماده کند. این یک موضوع بسیار جدی است و برای برهم خوردن آن به سیاست و روش جدید احتیاج است. به این نکته هم باید توجه داشت اگر رژیم صهیونیستی که در صحنه نظامی هیچ پیروزی نداشته است بتواند با کمک آمریکایی‌ها و بعضی دولت‌های دیگر، به اخراج فلسطینی‌ها نائل آید، درگیری‌های رژیم علیه کشورهای منطقه از سر گرفته می‌شود. امروز رها کردن این جانی نیمه‌جان، استقبال از خطرات بزرگ‌تر آینده است. باید برای آن فکر اساسی کرد.

۵ـ در بحبوحه بحث حتمی بودن واکنش نظامی ایران به ترور شهید هنیه در تهران، یک بار دیگر بحث مذاکرات سیاسی از سوی همان دولت‌هایی که بارها وعده آتش‌بس داده بودند و هیچ‌گاه محقق نشد، داغ شده و رژیم غاصب می‌گوید نمایندگان خود را برای بحث به قاهره فرستاده است. این در حالی است که همین سه هفته پیش، علی‌رغم آنکه هیئت فلسطینی حداکثر امتیازات را برای تحقق آتش‌بس داده و حتی از بعضی خطوط قرمز خود مثل «دائمی بودن آتش‌بس» چشم پوشید، رژیم غاصب زیر بار آتش‌بس نرفت و نتانیاهو در سخنرانی خود در کنگره وعده داد که می‌تواند ورق را برگرداند. پس از آن سلسله ترورهای اخیر علیه رهبران مقاومت به راه افتاد. بنابراین واضح است که بحث آتش‌بس صرفاً برای منفعل کردن ایران و حزب‌الله و رها کردن‌گریبان رژیم از دستان پرقدرت مقاومت مطرح شده است.

سعدالله زارعی

گزارش خبری تحلیلی کیهان

اگر مسئله‌دارها را به پزشکیان پیشنهاد نکرده‌اید چرا از استعلام می‌ترسید؟!

سرویس سیاسی ـ

هشدارهای کیهان درباره احاطه رئیس‌جمهور توسط کارگروه‌ها و حلقه‌ای موسوم به شورای راهبری انتخاب اعضای کابینه که برخی از آنها افرادی فاسد و فاقد اهلیت هستند، بیش از پیش محسوس می‌شود.

هشدارهای متعددی درباره سوابق اطرافیان و مشاوران رئیس‌جمهور داده‌ایم. بارها نوشتیم، در کارنامه بیشتر اعضای شورای راهبری و کمیته‌های ذیل آن؛ همراهی با سرویس‌های اطلاعاتی دشمن، محکومیت‌های امنیتی، آلودگی به فساد، بی‌اعتقادی به نظام و انقلاب، همسویی و همراهی برملا شده با مثلث آمریکا، انگلیس و اسرائیل در فتنه‌ها و آشوب‌ها، ملاقات‌های پنهان با دشمنان تابلودار ایران در آمریکا و دریافت دستورالعمل برای ایجاد فتنه در کشور، درخواست از آمریکا برای اِعمال تحریم‌های فلج‌کننده علیه ایران اسلامی، توصیه به شورای روابط خارجی آمریکا برای مداخله در امور داخلی ایران، مخالفت و سنگ‌اندازی در مسیر تقویت تسلیحاتی ایران، برباد دادن ۸ ساله انبوهی از امکانات و ظرفیت‌ها و بیت‌المال برای مقابله با تحریم‌ها و دو برابر کردن آنها، بازگرداندن کشتی حامل ملزومات غذائی و داروئی برای مردم یمن با تشر جان کری وزیر خارجه وقت آمریکا، حمایت از سند استعماری ۲۰۳۰ با وجود اطلاع از مضمون و محتوای ضد اسلامی آن و... وجود دارد.

طبق آنچه آشکار است، این طیف با بینش و مواضع پزشکیان تضاد دارند. رئیس‌جمهور مکرر اعلام کرده است که وفادار به سیاست‌های کلی ابلاغی از سوی رهبر انقلاب است و آنها سرگرم به پادویی برای دشمن و مأموریت براندازی. اختلاف آنان با رئیس‌جمهور، «اختلاف راه» است نه اختلاف سلیقه. روشن است که به پست و مقام رسیدن این طیف وطن‌فروش یا آنها که پیشنهاد کرده‌اند، موجب به بن‌بست کشاندن دولت و عقبگرد کشور است. از این‌رو، مانند آنچه پیش از این، بارها نوشتیم، انتظار است رئیس‌جمهور از مراکز ذی‌صلاح نسبت به سوابق اطرافیان و مشاوران خود استعلام بگیرد و محکومان امنیتی و مسببان فجایع اقتصادی و امنیتی را بازشناسد و از اطراف خود دور کند.

دعوت رئیس‌جمهور به دور زدن قانون توسط مدعیان اصلاحات

در همین شرایط، دیروز دو فعال مدعی اصلاحات در روزنامه اعتماد، پزشکیان را نسبت به استعلام از مراجع ذی‌ربط درباره افراد پیشنهاد شده برای کابینه، به دور زدن قانون دعوت کردند. آنها نوشتند:... بحث دیگر در زمینه موانع تشکیل دولت، پدیده‌ای به نام استعلام از مراکز امنیتی است که گویا قانون آن به تصویب مجلس نیز رسیده. طبق قانون، پاسخ منفی به استعلام، وحی منزل است. اصل اینکه نهادهای امنیتی نظر خود را درباره اشخاصی که می‌خواهند در پست‌های حساس قرار گیرند، منطقی است اما تجربه نشان داده که چنین استعلام‌هایی گاه به‌شدت شائبه‌برانگیز است... در هر حال برای رفع این مشکل، راه میانه‌ای باید جست از جمله اینکه رئیس‌جمهور به عنوان شخص دوم کشور، مستندات نهادهای امنیتی را دریافت و پس از مشورت با افراد امین، خودش درباره اجرائی شدن یا نشدن نظر امنیتی‌ها تصمیم بگیرد.

در ادامه این مطلب از نوع و سیاق انتخاب اعضای کارگروه‌ها و شورای راهبری انتخاب اعضای کابینه انتقاد شده و این‌طور آمده است: دیگر نکته درباره مشکلات فراروی تشکیل کابینه، نحوه عملکرد کمیته‌های فرعی و شورای راهبری است. شاید اگر در انتخاب اعضای کمیته‌ها و شورای راهبری (که اصل آن ابتکاری درست و منطقی بود)، وسواس و حساسیت بیشتری به خرج داده می‌شد و شائبه‌هایی که در خروجی تصمیمات آنها پدیدار گردید، به‌وجود نمی‌آمد، امروز رئیس‌جمهور با اطمینان خاطر بالا، از تصمیمات اتخاذ شده دفاع کامل می‌کرد و تسلیم برخی فشارها نمی‌شد.

دبیرکل حزب کارگزاران نیز در یادداشتی آورده است: نیازی نیست آقای پزشکیان تسلیم نظرات غیرمنطقی نهادهای امنیتی و نظارتی شوند... در مورد کابینه وفاق ملی هم باید گفت که کابینه فراجناحی فقط در دوره آقای هاشمی اتفاق افتاده و آن هم کاملاً دلایل سیاسی روشنی داشته است. زیرا هم چپ و هم راست در انتخابات حامی آیت‌الله هاشمی بودند. حتی آن زمان در دور دوم آقای هاشمی به غیر از تعدادی از روحانیون مبارز، بقیه چپ‌ها از ایشان حمایت کردند.

شایان ذکر است، یکی از دو نویسنده مطلب روزنامه اعتماد از محکومان امنیتی است که توسط ظریف به شورای راهبری کابینه نفوذ داده شد و خودش قبلاً تصاویر مکشفه از خانواده‌اش در خارج کشور را منتشر کرده است. صاحب امتیاز اعتماد هم از رفقای نزدیک شهرام جزایری مفسد اقتصادی دوران موسوم به اصلاحات است.

از مدعیان اصلاحات باید پرسید، اگر افراد مسئله‌دار و زاویه‌دار با انقلاب را به پزشکیان پیشنهاد نکرده‌اید چرا از استعلام می‌ترسید؟! و لازم است خاطرنشان کنیم که یادداشت فوق نمایانگر واهمه و هراس مدعیان اصلاحات از روشن شدن سوابق شوم افراد پیشنهاد شده به رئیس‌جمهور است و نشان می‌دهد که برخی وزرای پیشنهادی شورای راهبری انتخاب کابینه، فاقد صلاحیت و دارای تخلفات هستند و وقتی رئیس‌جمهور کارنامه این افراد را از دستگاه‌های مربوطه بخواهد، پاسخ آنها منفی خواهد بود.

علاوه‌بر این، دعوت پزشکیان به دور زدن قانون توسط مدعیان اصلاحات، گزارش‌ها و هشدارهای کیهان درباره حضور «زاویه‌دارها» و «محکومان امنیتی» اطراف رئیس‌جمهور را بیش از پیش پدیدار می‌کند. همچنین نشان می‌دهد مدعیان اصلاحات اعتقادی به قانون ندارند و هرجا قانون خلاف منافع‌شان باشد، آن را پایمال می‌کنند.

گفتنی است، مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۴۰۱/۸/۷ قانون «نحوه انتصاب اشخاص در مشاغل حساس» را تصویب و تکلیف را روشن کرده است.

بخش‌هایی از این قانون را مرور کنیم؛

ماده۱ـ کلیه دستگاه‌های اجرائی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۷/۸ و نهادها و سازمان‌های وابسته به قوای سه‌گانه کشور مکلفند ضمن احراز تابعیت جمهوری اسلامی ایران و شرایط خدمت نظام وظیفه عمومی، در انتصاب افراد به مشاغل حساس موضوع این قانون، وجود یا فقدان شرایط مقرر در ماده (۲) این قانون را از مراجع سه‌گانه شامل وزارت اطلاعات، سازمان اطلاعات سپاه و قوه قضائیه استعلام نمایند.

چنانچه انتصابی برخلاف استعلام صورت گرفته صورت پذیرد یا بدون استعلام، انتصاب انجام شود، انتصاب مذکور کأن‌لم‌یکن بوده و مرتکب یا مرتکبان به محرومیت از حقوق اجتماعی درجه (۵) موضوع ماده (۱۹) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ محکوم می‌گردند... در صورت نظر منفی هر یک از مراجع سه‌گانه مذکور، این نظر برای مرجع استعلام‌کننده لازم‌الاتباع است.

ماده۲ـ انتصاب اشخاص ذیل در مشاغل و پست‌های حساس ممنوع است:

الف ـ کسانی که خود، فرزندان یا همسر ایشان تابعیت مضاعف دارند.

ب ـ کسانی که به اسلام، نظام جمهوری اسلامی، ولایت مطلقه فقیه و قانون اساسی اعتقاد و التزام عملی ندارند.

پ ـ کسانی که در جهت تحکیم مبانی رژیم سابق نقش مؤثر داشته‌اند.

ت ـ کسانی که به مجازات جرائم خیانت در امانت، کلاهبرداری، اختلاس، ارتشا و تصرف غیرقانونی در اموال عمومی محکوم شده‌اند.

ث ـ وابستگان تشکیلاتی به احزاب، سازمان‌ها و گروه‌های محارب، معاند و غیرقانونی.

ج ـ مظنونان و مرتکبان جاسوسی به نفع بیگانگان و ارتباط با اتباع بیگانه‌ای که مراکز امنیتی و اطلاعاتی مستنداً آن را نهی کرده‌اند...

ماده۴ـ معاونان و مشاوران رئیس‌جمهور و قائم‌مقام آنها، قائم‌مقام، معاونان و مشاوران وزرا، رؤسا و مدیران عامل، مدیران کل و هم‌طرازان آنها در وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی، مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی و [...] در زمره مشاغل حساس محسوب شده و مشمول مقررات این قانون می‌باشند.

محکومان امنیتی مأموریت براندازی دارند

بار دیگر لازم به یادآوری است که محکومان امنیتی مأموریت براندازی دارند و همان باندی هستند که تارنمای وزارت خارجه رژیم صهیونیستی در جریان فتنه ۸۸ از آنها با عنوان «بزرگ‌ترین سرمایه اسرائیل در ایران» یاد کرده بود. آنها سودای شومی که با فتنه‌انگیزی و قداره‌کشی نتوانستند علیه نظام اسلامی انجام دهند، اکنون در پوشش مدنی و مصونیت قانونی دنبال می‌کنند. بی‌وفایی و بی‌صداقتی آنها در نسبت با نیروهای سیاسی بارها ثابت شده است. اگر منافع شان اقتضا کند، تملق رئیس‌جمهور را می‌گویند و به پست و مقام چنگ می‌زنند و آنگاه که منفعت‌شان تأمین نشود، آنها را مورد اهانت قرار می‌دهند. نباید از آنها انتظار داشت با رئیس‌جمهور رفتاری از روی صدق داشته باشند. پدرخوانده‌های جبهه اصلاحات نیز به نیروهای سیاسی به چشم بازیچه و مهره پیاده نگاه می‌کنند. رئیس‌جمهور که بر پیمودن مسیر سیاست‌های کلی نظام تأکید دارد، لازم است منافع ملی و امنیت ملی را در نظر بگیرد و با اطلاع یافتن از شرح سوابق مشاوران خود، حلقه فتنه و فساد که در اطرافش شکل گرفته را به هم بزند و کابینه‌ای توانا و معتقد به ارزش‌های انقلاب اسلامی برای تسریع در حل مشکلات و پیشرفت شایسته کشور تشکیل دهد. نمایندگان مجلس نیز مسئولیت دارند تا افراد فاقد صلاحیت‌های قانونی را تایید نکنند.

گفت و شنود

استعلام نکن!

گفت: مگر نباید درباره افرادی که برای پست‌ها و مسئولیت‌های حساس انتخاب می‌شوند، تحقیق و بررسی شود که سابقه سوء، محکومیت کیفری، آلودگی اقتصادی و... جرایم مشابه دیگری نداشته باشند؟

گفتم: این یک قاعده عاقلانه و منطقی و یک شرط قانونی است که در همه دنیا رعایت می‌شود وگرنه افراد آلوده با حضور در پست‌های حساس، مملکت را بر باد می‌دهند!

گفت: پس چرا برخی از اطرافیان آقای پزشکیان اصرار دارند که ایشان برای به کارگیری آنها از مراجع و مراکز قانونی مثل پلیس و دستگاه قضائی و مسئولان امنیتی و اطلاعاتی استعلام نکند؟!

گفتم: کسی که حسابش پاک است از محاسبه چه باک است؟! حتماً یک آلودگی‌هایی دارند که نمی‌خواهند رئیس جمهور با خبر شود و از به‌کارگیری آنها صرف‌نظر کند!

گفت: یک جوری برای فرار از استعلام مقاله می‌نویسند و توئیت می‌زنند که انگار دستگاه و مرکزی که قرار است آلودگی‌ها و سوءسابقه آنها را به رئیس جمهور اطلاع بدهد خطاکار است!

گفتم: قاضی به متهم گفت؛ خجالت نمی‌کشی که هر یک ماه یک جرمی مرتکب می‌شوی و به دادگاه می‌آیی؟ متهم گفت؛ آقای قاضی شما که هر روز به دادگاه می‌آیی خجالت نمی‌کشی؟!

ایران، حمله رژیم صهیونیستی به آوارگان فلسطینی را محکوم کرد

سخنگوی وزارت امور خارجه ضمن محکومیت حمله وحشیانه رژیم اسرائیل به آوارگان فلسطینی ساکن در مدرسه تابعین در غزه، این حمله وحشیانه را مصداق روشنی از ارتکاب همزمان جنایت نسل‌کُشی، جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت دانست.

ناصر کنعانی، سخنگوی وزارت امور خارجه حمله وحشیانه صبح شنبه رژیم کودک‌کش اسرائیل علیه آوارگان فلسطینی ساکن در مدرسه تابعین در محله الدرج غزه را که در حال اقامه نماز صبح بودند و منجر به شهادت و زخمی شدن صدها تن از غیرنظامیان فلسطینی گردید، شدیداً محکوم کرد.

کنعانی این حمله وحشیانه را مصداق روشنی از ارتکاب همزمان جنایت نسل‌کُشی، جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت دانست.

وی تأکید کرد: تداوم حملات جنون‌آمیز رژیم صهیونیستی علیه غیرنظامیان فلسطینی و قتل‌عام وحشیانه زنان و کودکان و سالخوردگان به‌ویژه حمله شنیع روز شنبه این رژیم به آوارگان فلسطینی ساکن در مدرسه تابعین، بار دیگر ثابت کرد که رژیم آپارتاید اسرائیل به هیچ‌یک از قوانین و مقررات حقوق بین‌الملل و اصول اخلاقی و انسانی پای‌بند نیست.

سخنگوی دستگاه دیپلماسی افزود: تنها راه مقابله با این رژیم سفّاک، اقدام محکم و قاطع کشورهای اسلامی و آزادیخواه جهان در حمایت عملی از ملت فلسطین و مبارزات و مقاومت مشروع این ملت علیه اشغالگری و تجاوز است. کنعانی با تأکید بر اینکه جنایت واقع‌شده در مدرسه تابعین، نمونه بارز و آشکار تهدید صلح و امنیت بین‌المللی است، خواستار اقدام فوری و مؤثر شورای امنیت سازمان ملل بر اساس فصل هفتم منشور ملل متحد برای مهار و توقف جنایات بی‌حدوحصر این رژیم کودک‌کُش گردید. وی با اشاره به مسئولیت جامعه بین‌المللی در لزوم پیشگیری و مقابله با جنایات رژیم اسرائیل تأکید کرد: کشورها و سازمان‌های بین‌المللی به‌ویژه اعضای شورای امنیت و سایر نهادهای بین‌المللی ازجمله دیوان بین‌المللی کیفری و دادستان آن، یک بار دیگر در برابر آزمونی اخلاقی و انسانی و نیز مسئولیتی بین‌المللی قرار گرفته‌اند و باید آمرین و عاملین نسل‌کُشی و آپارتاید، یعنی مقامات رژیم خونریز اسرائیل را در مقابل ارتکاب جنایات و وحشیگری‌های گسترده پاسخگو نمایند.

خبر ویژه

مشاور خاتمی: پزشکیان خود را اصلاح‌طلب نمی‌داند

«روی کار آمدن آقای پزشکیان برای عده‌ای این تصور را به وجود آورد که حکومت می‌خواهد از یکدست‌سازی دست بردارد، اما گواه این مطلب نیست چرا که ایشان فرد خیلی متفاوتی از کسانی که تاکنون حکومت می‌کردند نیست و خود را اصلاح‌طلب نمی‌داند و ایده و زبان او نیز با اصلاح‌طلبان دهه هفتاد فرق کرده است».

این مطلب را حسین قاضیان، (متهم خارج‌نشین پرونده نظرسنجی‌سازی و فروش اطلاعات به بیگانگان) در پاسخ به ادعای عباس عبدی گفته است.

عباس عبدی گفته بود: در انتخابات پیش‌بینی می‌کردم که تغییراتی در راه است و این تغییرات مترصد یک فرصت است. سیستم سیاسی ایران از سال ۱۳۹۶ پروژه یکدست‌سازی را در نظر داشت ولی در سال ۱۳۹۸ در انتخابات مجلس خود را بروز داد و این پروژه را در سال‌های ۹۸، ۱۴۰۰ و ۱۴۰۲ به‌طور کامل اجرائی کرد، اما این پروژه به دلایل متعددی شکست خورد. به نظر من سیستم سیاسی ایران بعد از اسفند ۱۴۰۲ به این نتیجه رسیده بود که باید تغییری در سیاست انتخاباتی خود ایجاد کند و فضا را به گذشته بازگرداند، اما با این تفاوت که برخلاف سال‌های ۷۶ و ۹۲ این‌بار آگاهانه این تصمیم را گرفته است. این تازه آغاز یک راه است و هیچ گارانتی هم برای موفقیت آن وجود ندارد.

اما حسین قاضیان که در دوران ریاست جمهوری خاتمی، مشاور اجتماعی وی بود و در سال‌های اخیر با شبکه صهیونیستی اینترنشنال همکاری می‌کند، با رد ادعای عبدی گفته است: الان دو واقعیت روی زمین است، اول کسانی که رای ندادند (۵۰ درصد در دور دوم) و دوم گروهی که به آقای پزشکیان رای دادند. صحنه بازی و کشمکش و جدال آینده بین این دو واقعیت است و باید دید چه نیروی سیاسی می‌تواند واقعیت روی زمین کسانی که رای ندادند را تصاحب کند و بگوید که این گروه به فلان دلایل رای ندادند. اگر چنین فرآیندی رخ دهد و یک نیروی سیاسی و اجتماعی بتواند به این ۵۰ یا ۶۰ درصد معنایی بدهد و آن‌ها این معنا را خریداری کنند، آن‌وقت این نیروی سیاسی صاحب این واقعیت ۶۰-۵۰درصدی می‌شود. تاکنون چنین حرکتی را مشاهده نکردیم. از طرفی کسانی که از آقای پزشکیان حمایت کردند باید نشان دهند که کارهایی که می‌خواستیم را انجام دادیم و از پس آن بر آمدیم. این گروه نیز در سمت دیگر بازی هستند. بنابراین تاکنون هیچ‌کدام از طرفین نشان ندادند و آینده تا حد زیادی این وضعیت را روشن می‌کند. اما حرف آقای عبدی این است که حکومت به سمت یکدست‌سازی رفته و حالا متوجه شده یکدست‌سازی مشکلات را حل نمی‌کند و یک فرآیند بی‌پایان است و حالا می‌خواهد جلوی این یکدستی را بگیرد و بنابراین موقعیت مناسبی است. اما مناسب برای چه چیزی است؟

قاضیان همچنین می‌گوید: روی کار آمدن آقای پزشکیان برای عده‌ای این تصور را به وجود آورد که حکومت می‌خواهد از یکدست‌سازی دست بردارد، اما گواه این مطلب نیست چراکه ایشان فرد خیلی متفاوتی از کسانی که تاکنون حکومت می‌کردند نیست و خود را اصلاح‌طلب نمی‌داند و ایده و زبان او نیز با اصلاح‌طلبان دهه هفتاد فرق کرده است. اگر اصلاح‌طلبان از اصلاحات دهه هفتاد دست برداشتند که به نظر این‌گونه می‌رسد، این راه درستی است که در پیش گرفتند اما اگر کماکان می‌خواهند به ایده‌های اصلاح‌طلبی وفادار بمانند، نه‌تنها آقای پزشکیان معرف این ایده نیست بلکه با فرض اینکه جلوی یکدست‌سازی حکومت را بگیریم هم ایده درستی نیست و به همین دلایل فکر می‌کنم هم صحنه انتخابات گواه رویکرد جدیدی نیست و هم حکومت نمی‌خواهد دست از اولویت خود بردارد.

از هیجان المپیک تا هراس هایپرسونیک

در حالی که ملت بزرگ ایران، این روزها و ساعت‌ها پیگیر رقابت‌های کاروان ورزشی جمهوری اسلامی ایران در المپیک پاریس هستند و از طلا و نقره و برنز بودن مدال‌های ورزشکاران عزیزشان حرف می‌زنند؛ سایه دلهره و وحشتی پایان‌ناپذیر در مناطق صهیونیست‌نشین سرزمین‌های اشغالی حاکم است.

صهیونیست‌های جنایتکار از حیفا و تل‌آویو گرفته تا هرتزلیا، نهاریا، بئر سبع، طبریا و... منتظر هستند که ایران و متحدانش، انتقام ترورها در تهران و بیروت و حدیده و دمشق و غزه را روز می‌گیرند یا شب؟ با پهپادها می‌زنند یا با موشک‌های خیبرشکن و هایپرسونیک فتاح، و یا با روشی کاملاً متفاوت و غافلگیرانه‌تر؟ مراکز امنیتی و پایگاه‌های نظامی را در هم می‌کوبند، یا مجتمع‌های صنعتی و بنادر صهیونیستی را؟ از جبهه شمالی می‌زنند، یا جنوب و شرق و غرب (مدیترانه)؟ فقط در داخل سرزمین‌های اشغالی یا ضمناً خارج از آن؟

آنها بیش از یک هفته است که خواب و خوراک راحت ندارند؛ چنان‌که شهردار حیفا به رویترز گفت: از اضطراب و ترس حمله ایران، خوابم نمی‌برد. نتانیاهو یا رئیس موساد و رئیس ستاد کل ارتش و برخی وزیران متهم در جنایات اخیر، چند روز می‌توانند در پناهگاه‌های مثلاً امن پنهان شوند یا در انظار ظاهر نشوند؟ و چقدر می‌توانند نظامیان را پنهان سازند یا پدافند را در حالت آماده‌باش ۲۴ساعته... ۴۸ساعته... سه‌روزه... یک‌هفته‌ای و بیشتر نگه دارند؟

همین روزها که ما پای تلویزیون نشسته‌ایم و با رقابت‌های سنگین قهرمانان‌مان در المپیک، آدرنالین خون‌مان بالا و پایین می‌شود و ضربان قلب‌مان تندتر می‌زند، صهیونیست‌های جنایتکار، هیجان ترسی تلخ را مزمزه می‌کنند و هر شبکه تلویزیونی را که می‌زنند، بر تلخکامی‌شان افزوده می‌شود؛

خبرنگار شبکه ۱۲ اسرائیل: «ایرانیان در حال مدیریت یک جنگ روانی علیه ما هستند».

شبکه ۱۳ اسرائیل: «رهبران ایران، حزب‌الله و جنبش حماس موفق شدند در جنگ روانی بر ما پیروز شوند. رسانه‌های ایرانی ما را فریب می‌دهند و دیوانه‌مان کرده‌اند. آنها موفق شدند از نظر روانی ما را شکست دهند».

شبکه ۱۴ اسرائیل: «از ترس حمله ایران، نزدیک به صدهزار اسرائیلی در خارج گیر افتاده‌اند. در ۵۰ سال گذشته چنین وضعیتی را ندیده‌ایم که در یک‌سال سه‌بار، در ۷ اکتبر، در ۱۴ آوریل و اکنون که به نظر می‌رسد در آستانه حمله ایرانی همراه با تمام نیروهای متحدش هستیم، مورد حمله قرار بگیریم».

چرا استعلام گرفتند که افراد پیشنهادی رد صلاحیت شوند؟(!)

محافل سیاسی و رسانه‌ای که بیشترین فشار را برای ارائه افراد پیشنهادی به رئیس‌جمهور و تاثیرگذاری در شکل‌دهی به کابینه داشتند، حالا وارد فاز فاصله‌گذاری و تظاهر به نگرانی شده‌اند.

در این باره روزنامه هم میهن متعلق به غلامحسین کرباسچی در تحلیلی با عنوان «افزایش نگرانی‌ها در آستانه معرفی کابینه» نوشت: اخباری به گوش می‌رسد که نشان‌دهنده این است که نگرانی‌ها درباره فهرست نهائی کابینه پیشنهادی بی‌مورد نیست. هسته مرکزی نگرانی ناظران و فعالان سیاسی این است که نتیجه انتخابات چهاردهم نشان می‌دهد بخشی از جامعه خواستار تغییر برخی مسائل در سیاستگذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌هاست. اما مشخص نیست که آیا می‌شود با این شنیده‌ها امیدی به تغییر داشت، یا نه. شنیده‌ها حاکی از آن است که گزینه‌های اصلاح‌طلب و میانه‌رو با فشارهایی از بیرون دولت حذف و جایگزین می‌شوند. حتی مسئله سهم‌خواهی‌های سیاسی از دولت نیز این روزها مطرح است.

این روزنامه زنجیره‌ای می‌افزاید: وفاق ملی نقشی کلیدی در ادبیات رئیس‌جمهور دارد. این راهبرد مورد استقبال قرار گرفت اما تنها یک نگرانی در مورد آن وجود دارد. برخی تحلیلگران این نگرانی را ابراز می‌کنند که در فقره استفاده از مدیران دولت‌های قبل، آیا نیروهای متخصص به کارگیری می‌شوند؟ چرا که مسئله سپردن کار به کارشناسان نیز دیگر راهبرد رئیس‌جمهور است. بخش دیگری از نگرانی‌ها ناشی از آن است که چهره‌هایی که برای کابینه معرفی می‌شوند، با نگاه رئیس‌جمهور همراه هستند یا نه. بعضی از فعالان سیاسی نسبت به تکرار